

ژانر ابرقهرمانی (سوپر هیرو؛ Superhero)

سینمای قهرمانی؛ عمدتاً برای تجلیل و روایت از فردی مثبت که دارای قدرت‌های ویژه ای است ساخته می‌شود.



همشهری آنلاین-مهدی تهرانی: سینمای قهرمانی؛ عمدتاً برای تجلیل و روایت از فردی مثبت که دارای قدرت‌های ویژه ای است ساخته می‌شود.

تا پیش از ورود سیستم‌های دیجیتال و استودیوهای رایانه‌ای به سینما؛ گونه‌ی قهرمانی مانند بسیاری دیگر از ژانرها؛ قواعد خاص خود را داشت. تا 1950 در گونه‌ی قهرمانی نقش اول ماجرا شخصی بود که عمدتاً مدافع مردم جلوه‌گری می‌کرد و به سبب برخورداری از ویژگی‌های جسمانی و تبحر در مبارزه؛ چستی و چالاکي چشمگیری نیز را دارا بود.

تا دهه 50 سری فیلم‌های زورو با بازی "ارول فلین" نمونه‌ی مطلوب اینگونه فیلم‌ها بود. در واقع در آن زمان سینمای قهرمانی رابطه تنگاتنگ با ژانر درام اجتماعی؛ ژانر عاطفی و ژانر ترکیبی داشت. مثال جدیدتر این گونه؛ سری فیلم‌های ایندیانا جونز بودند که شرح ماجراجویی‌های یک شخص باهوش را روایت می‌کردند. قهرمانان در این فیلم‌ها نیروی فوق بشری نداشتند اما به سبب برخی امتیازات می‌توانستند در نقش قهرمان ظاهر شوند. فیلم‌هایی که هنوز هم می‌توانند ساخته شوند.

ایندیانا جونز 4: واگن اصلی روی ریل سینما

از اواسط دهه 70 به بعد ژانر قهرمانی به گونه‌ی ابرقهرمانی بروز و ظهور یافت. کمیک استریپ‌ها و مجموعه‌هایی مانند مارول و بسیاری از شخصیت‌های ابرقهرمانی استن لی؛ با پشتوانه امکانات کامپیوتری بر پرده نقره‌ای جولان دادند و تماشاگران را غرق در حیرت کردند.

اسپایدرمن

از این به بعد بود که دیگر ژانر قهرمانی کمابیش قرابت قدیمی خود به ژانرهای درام اجتماعی از دست داد و بیشتر با ژانر فانتزی و ژانر علمی-تخیلی هم‌خونی نشان داد.

با اینهمه مفهوم ابرقهرمان‌ها در این فیلم‌ها تغییر نکردند. به مانند همیشه ابرقهرمان‌ها؛ سوپر استارهایی هستند که با تکیه بر قدرت جسمانی و گاهی فوق بشری خود در مقابل نیروهای شریر قرار می‌گیرند تا جامعه بشری را از فساد پذیری نجات دهند.

در ژانر قهرمانی بیش از هر مقوله‌ای بحث خوش ساخت بودن و ایفای نقش کاراکترهاست که اهمیت دارد. چرا که داستان در این ژانر اهمیت خود را از دست داده و چشم نوازی باورپذیر؛ بهترین راهکار و احتمالاً جزو قوانین نانوشته ژانر شده است.

البته در میان خیل عظیم ابرقهرمانان این روزهای سینما مانند "بتمن"، "سوپرمن"، "اسپایدرمن"، "آیرون من"، "کاپیتان آمریکا"؛ "ایکس من" و چه آنهایی که موردی می‌آیند و می‌روند مثل "دایورجنت" و "لاک پشت‌های نینجا" فرهنگ غالب؛ جهانشمول نیست. با اینهمه فیلم‌های ابرقهرمانی اگر داخل سیاست نشوند می‌توانند فیلم‌هایی با مضامین سطحی و دم دستی جلوه‌گری کنند که اوقات فراغت را فقط پر می‌نمایند.

مرد آهنی (آیرون من): ماشین جنگی هیولاش

مردان ایکس: روزهای گذشته آینده

دایورجنت: فرار به سوی گذشته

ساخت و ساز در ژانر قهرمانی و ابرقهرمانی در 3 دهه اخیر ثابت کرده که این آثار اگر توسط کارگردانان خلاق ساخته شوند این ژانر حتی می‌تواند به لحاظ منطق سینمایی حرف‌های زیادی برای گفتن داشته باشد. سری فیلم‌های بتمن ساخته کریستوفر نولان شاهد این مدعا است.